

مخاطبین پیام الهی

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



مخاطبین پیام الهی

نباید فراموش کرد که سلاطین ارض و روسای ادیان مقدم بر جمیع طبقات دیگر بطور مستقیم مخاطب بیانات حضرت باب و حضرت بهاءالله واقع شده اند. آنها بودند که مخصوصاً در الواح متعدد و تاریخی مورد خطاب قرار گرفته و از آنها دعوت شد که ندای الهی را اجابت کنند و همچنین نصایح و اندازات و دعوات دو مظهر مقدس ستمدیده اش با لحنی صریح و محیمن بانها ابلاغ گردید. آنها بودند که در هنگام طلوع امر و پس از آنکه آئین الهی اعلان گردید غالباً اختیارات مطلقه و کامله کشوری و مذهبی را نسبت بر عایا و تابعین خود در دست داشتند. آنها بودند که خواه بعلت تجتر و جلال سلطنتی که هنوز کاملاً بقیود قوانین مشروطیت محدود نشده بود و خواه بجهت تحصن در حصن اقتدارات دینی که علی الظاهر مصون بوده مسئولیت نهائی صدمات وارده از طرف آنهائیکه مستقیماً در تحت حکم قهرو نفوذشان بوده بعهدہ آنان بود. در اینخصوص مبالغه نخواهد بود اگر بگوئیم که در اغلب کشورهای دو قاره اروپا و آسیا استبداد از یکطرف و اطاعت و انقیاد نسبت بعلمای مذهبی از طرف دیگر دو صفت بر جسته حیات سیاسی و مذهبی عامه مردم را تشکیل میداد. مردم تحت تسلط و رقت قرار گرفته و آنقدر آزادی نداشتند که بتوانند دعوی و مقام آئینی که بانها ابلاغ شده بشناسند و یا بدون قید حقیقتش را دریابند.

در اینصورت تعجبی نیست اگر موسس دیانت بهائی و مبشر آن بمقدار کمتر باعظم حکم فرمایان دنیا و پیشوایان ادیان با کمال اقتدار پیام خود را ابلاغ فرمایند و آنها را مخاطبین الواح منیعه خود قرار داده و با لحنی صریح و موکد بتوجه بامر خود دعوت کند. و نیز تعجبی ندارد هرگاه آنها زحمت را بخود هموار کرده حقائق ظهورات خود را بنظر آنها رسانیده و آلام و محن وارده بر خود را بتفصیل برای آنها شرح و بسط داده باشند. باز تعجبی نیست اگر با کمال تاکید قدر فرصتی را که در دست حکمفرمایان و پیشوایان بوده بانها تذکر داده و با بیاناتی انداز آمیز مسئولیتهای شدیدی که رد کردن پیام الهی در بر دارد بانها گوشزد فرموده و چون در مقام اعراض و انکار بر آمدند آنها را بعواقب شومی که این کفران در پیش دارد متنبه فرموده اند و باز شگفتی ندارد اگر کسیکه سلطان سلاطین و قائم مقام نفس خداوند است وقتی متروک و موهون و مظلوم واقع شود این پیشگوئی تحقیر آمیز خطیر را بفرماید:

”از دو طایفه عزت بر داشته شد امرأ و علماً“



TRANSLATION



AUDIO

اما سلاطین و پادشاهانی که نه تنها مظهر حشمت و سلطنت ظاهری بودند بلکه غالباً بر توده اتباع خود تسلط مطلقه داشتند ارتباط آنها با امر حضرت بهاءالله یکی از روشن ترین داستانهای تاریخ دوره اولیه شہامت و دوره دوم تشکیلاتی دیانت بهائی را بوجود میآورد. ندای ملکوتی که آنهمه تاجداران اروپا و آسیا را شامل گردید مضمون و لحن پیامهایش که سلاطین را با سرچشمه وحی الهی ارتباط مستقیم داد - نوع عکس العمل آنها در مقابل این تصادم مهیب و نتایج حاصله از آن که امروز هم مشاهده میشود اینها قسمتهای عمده موضوعی است که اینک نمیتوانم کاملاً آنرا بیان کنم و مورخین آینده بهائی بنحو شایسته و کامل بیان خواهند نمود امپراطور فرانسه ناپلئون سوم که مقتدرترین پادشاهان آنروزه قاره اروپا پاپ پی¹ نهم اعظم رئیس بزرگترین شعب دیانت مسیحی و حامل عصای قدرت صوری و معنوی الکساندر دوم تزار مقتدر امپراطوری وسیع روسیه - ملکه مشهور ویکتوریا که قلمرو سلطنتش بزرگترین محیط سیاسی دنیا بودند - ویلهلم اول پادشاه پروس که بتازگی بخت سلطنت دول متحده آلمان نشسته و بر ناپلئون سوم غالب آمده بود - فرانسوا ژوزف امپراطور مستبد اتریش و هنگری و وارث امپراطوری مقدس و معروف روم - عبدالعزیز جابر که قوای مجتمعه سلطنت و خلافت در دست او بود - ناصرالدین شاه مشهور پادشاه مستبد ایران و مقتدرترین فرمانروای عالم تشیع و خلاصه آنکه اغلب اولوالامر و صاحبان سلطنت و اقتدار آنروز یکی بعد دیگری محل توجه مخصوص حضرت بهاءالله واقع شده و کم و بیش مورد خطابات و اندازات آن حضرت واقع گردیدند.

ولی باید بخاطر داشت که حضرت بهاءالله ابلاغ آئین خود را ببعضی سلاطین که حیطه اقتدار و قلمرو حکمرمائی آنان وسیع بوده منحصر نساخته بلکه در موقعیکه کوب ظهور مبارکش طالع میشد و در هنگامیکه در مجاورت قصر سلطنتی دشمن لدودش محبوس و در دست او اسیر بود جمیع سلاطین روی زمین را جمعا مخاطب قلم اعلی قرار داده و ایشانرا دعوت و انذار فرمود. در یک لوح تاریخی موسوم بسوره² ملوک که در آن شخص سلطان و وزرایش و همچنین سلاطین عالم مسیحی و سفرای بکار فرانسه و ایران در باب عالی و پیشوایان و علمای دینی اسلام در اسلامبول و فضلا و ساکنین آتشهر و اهالی آن و ملت ایران و بالاخره فلاسفه جهان مخصوصا مورد خطاب و نصیحت قرار گرفته اند. بجمیع سلاطین شرق و غرب این کلمات منیع را خطاب فرموده:

1. Pope le Pie